

امنیت و راه‌کارهای تأمین آن در اندیشهٔ محقق سبزواری

بهرام اخوان کاظمی*

چکیده

در این مقاله مفهوم بااهمیت امنیت و عوامل موجدۀ و ابعاد مختلف آن در کتاب روضه‌الانوار بررسی شده است و با این منظر ضمن نگرش دقیق‌تر به زوایای اندیشه و تبیین نحلهٔ تفکر سیاسی محقق سبزواری، با وضعیت سیاسی و اجتماعی عصر صفوی و نوع تأملات و اندیشه‌ورزی در عرصهٔ سیاست و حکومت آن دوران آشنایی بیشتری صورت پذیرفته است.

امنیت در منظومهٔ فکری محقق سبزواری جایگاهی محوری، والا و تأمل‌ورزانه‌ایی داشته است. وی به‌هیچ‌وجه طرفدار تغلب و استبداد نبوده و برعکس، نفی تغلب را از عوامل موجدۀ امنیت به‌شمار می‌آورده است. او بر مبنای نظریهٔ «سلطنت مشروعه» و رویکرد مسالمت‌جویانه، همکاری با حکام صفوی را پیشه نمود تا امنیت و بقای تشیع و پیروان خود را تضمین کند، اما برخلاف اهل سنت، این همکاری‌ها غالباً ماهیتی مستعجل و موقت داشته و به‌حکم ضرورت مبتنی بر شریعت بوده است. آراء محقق به‌نحو بارزی از نهج‌البلاغه تأثیر پذیرفته و راه‌کارهای تأمین امنیت از نظر وی بسیار نوین، متنوع و فراتر از زمان خویش بوده است.

واژه‌های کلیدی: محقق سبزواری، امنیت، تشیع، استبداد، سلطنت مشروعه.

* استادیار علوم سیاسی دانشگاه شیراز kazemi@shirazu.ac.ir

عصر صفوی و به‌ویژه قرن یازدهم هجری مهمترین دوران بالنده و درخشان تمدن و فرهنگ ایرانی و اسلامی است و چه بسیار مفاخر و اندیشه‌مندان و سیاست‌مداران بزرگی که در این دوره به ظهور و بروز رسیده‌اند و منشأ آثار مفید و ماندگاری در جهان اسلامی شده‌اند. مُلا محمد باقر سبزواری معروف به محقق سبزواری (۱۰۹۰-۱۰۱۷هـ.ق) نیز از این مفاخر ارزشمند است؛ کسی که به غیر از ۲۱ تألیف گران‌قدر در فقه و علوم معقول و منقول اسلامی، صاحب اثر کم‌نظیر «روضه‌الانوار عباسی»^(۱) است. این کتاب علاوه بر آنکه اثری سیاسی به‌شمار می‌رود از حیث ادبی نیز با اهمیت بوده و بیشتر معرف تاریخ، اندیشه و جامعه‌شناسی آن دوران است.

با توجه به اینکه اصلی‌ترین دغدغه مردم و ملموس‌ترین کارویژه حکومت‌ها در نظام‌های سیاسی قدیم، مبحث تأمین امنیت و حفظ ثبات و انتظام سیاسی بوده، در این مقاله تلاش بر این است مفهوم با اهمیت امنیت و عوامل پدیدآورنده و ابعاد مختلف آن در کتاب روضه‌الانوار به بررسی درآید و با این منظر، ضمن نگرش دقیق‌تر به زوایای اندیشه و تبیین نحله تفکر سیاسی محقق سبزواری، با وضعیت سیاسی و اجتماعی عصر صفوی و نوع تأملات و اندیشه‌ورزی در عرصه سیاست و حکومت آن دوران آشنایی بیشتری صورت پذیرد.

دو پرسش اصلی نوشتار حاضر را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود:

۱- علت اهمیت‌یابی موضوع امنیت در منظومه فکری محقق سبزواری چه بوده و چه تمایزی بین نوع مصلحت‌اندیشی و نگرش شیعی وی به امنیت با نوع مصلحت‌اندیشی و نگرش علمای اهل سنت وجود داشته است؟

۲- همکاری سیاسی محقق سبزواری با حکومت صفوی از چه ماهیت و مبانی برخوردار بوده و آیا می‌توان این همکاری و نوع نگرش وی به امنیت و عوامل تأمین و ارتقای آن را در قالب نظریه «سلطنت مشروعه» توضیح داد؟

این مقاله تلاش دارد ضمن پاسخ‌گویی به این سؤالات، روایی دو مفروض و

مدعای زیر را نیز به آزمون و بررسی درآورد:

۱- «به‌نظر می‌رسد امنیت در حکم مهمترین نیاز مردم و اصلی‌ترین کارویژه حکومت‌های قدیم، در منظومه فکری محقق سبزواری جایگاهی محوری، والا و

تأمل ورزانه داشته است. وی به هیچ وجه طرفدار تغلب و استبداد و نظریه امنیت در سایه شمشیر نبوده است؛ برعکس نفی تغلب را از عوامل پدیدآورنده امنیت به شمار می آورده است.»

۲- «محقق بر مبنای نظریه «سلطنت مشروعه» و رویکرد مسالمت جویانه، همکاری با حکام صفوی را پیشه نمود تا امنیت و بقای تشیع و پیروان خود را تضمین کند اما برخلاف اهل سنت، این همکاری‌ها غالباً ماهیتی ناپایدار و موقت داشته و به حکم ضرورت مبتنی بر شریعت بوده است. وی همچنان بر اساس تفکر شیعی خود، همه قدرت‌ها و دولت‌های دنیوی را در غیبت امام عادل (ع)، نامشروع و غاصب می دانسته است.»

۱. جایگاه و مفهوم امنیت

یکی از اساسی‌ترین انگیزه‌های زندگی جمعی و مدنی انسانی، ضرورت تأمین امنیت و در پرتو آن، ضرورت تقسیم کار بوده است. از گذشته دور تاکنون کارویژه‌های اصلی و اولیه یا حداقل دولت، تأمین امنیت جانی مردم از خطرهای داخلی و خارجی و نهادینه کردن امنیت جمعی بوده است. در هر صورت، چه در دولت‌های بسیط و اولیه و چه در دولت‌های دگرگون شده و نوین امروزی، همواره کارویژه تأمین امنیت، از اصلی‌ترین وظائف دولت‌ها به شمار آمده است.

ریشه این واژه از مجرد ثلاثی «امن» بوده و با واژگانی مانند «استیمان»، «ایمان» و «ایمنی» مترادف است که به مفهوم اطمینان و آرامش در برابر خوف، تفسیر، تعریف و ترجمه می‌شود که تا حدود زیادی به واقعیت نزدیک بوده و دو بُعد ایجابی و سلبی در تعریف امنیت را دربر می‌گیرد؛ از یک سو، اطمینان و آرامش فکری و روحی و از سوی دیگر، فقدان خوف، دلهره و نگرانی که موجب سلب آرامش و اطمینان می‌گردد.

در تعاریفی که از امنیت می‌شود یکی از معیارهای اساسی، حفظ و ایمنی ارزش‌های اساسی و حیاتی مورد قبول جامعه است. بنا به نظر ولترز «امنیت در معنای عینی، فقدان تهدید در برابر ارزش‌های کسب شده را مشخص کرده و در معنای ذهنی، فقدان ترس و وحشت از جمله علیه ارزش‌ها را معین می‌نماید.»^(۲) همچنین موضوع امنیت از لحاظ سطوح به امنیت فردی، امنیت گروهی، امنیت ملی و بین‌المللی و ابعاد متنوعی همچون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و غیره تقسیم می‌گردد.

شایان ذکر است با وجود اینکه مفهوم امنیت از پایگاه قرآنی و روایی بسیار گسترده‌ای برخوردار است اما بحث امنیت در فقه و معارف اسلامی فاقد بخش و کتاب و باب مستقلی بوده و در حوزه موضوعاتی مانند ایمان، صفات مؤمنین، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، دفاع فردی و عمومی، جهاد، برقراری قسط و عدل، قضاوت، اجرای حدود الهی، امانت و امانت‌داری، برخورد با اشرار و محارب‌ان و باغیان و یاغیان و مفسدان، جاسوسان، رفع فقر و محرومیت، عدم سلطه بیگانگان، نوع تعامل با کفار و مشرکین و غیره مطرح شده است^(۳).

۲. عوامل تشدید ترجیح امنیت در نظام‌ها و جوامع اسلامی

۱-۲. مشروعیت دینی استبداد و امارت استیلا و تغلب

آنچه مسلم می‌نماید با تبدیل امامت به خلافت و سپس به ملوکیت پس از دوره آرمانی صدر اسلام، خلافت «شوکت و استیلا» یا «رهبری تغلبیه و قهریه» پس از دوره راشدین، در حوزه نظر و عمل در دنیای اهل سنت چونان نظریه و روش غالب درآمد و فقهای بزرگ اهل سنت نیز به خوبی درصدد توجیه و تبیین آن برآمدند. آنها در مقایسه با هم‌تایان شیعه خود انعطاف بیشتری در انطباق آراء و عقایدشان با واقعیت‌های سیاسی داشته و دارند. این انعطاف سرانجام به نقطه‌ای رسید که گویی والاترین ارزش در سیاست نه عدالت، بلکه امنیت است و این قضاوتی بود که ارزش بسیاری برای توانایی و قدرت حکومت و حفظ «قانون و نظم» قائل بود و نه برای تقوا و عدالت و از استبداد به مثابه شرّ کمتر در مقایسه با هرج و مرج و ناامنی دفاع می‌کرد و عقیده داشت حکومت خودکامه حتی اگر فاسد باشد، کمترین ثمره‌اش «فصل خصومات»، «منع هرج و مرج و ناامنی» و «حفظ مرزها و امنیت» و در نتیجه تمهید و تقویت اجرای شریعت است و چون سلطان جائز با قدرتش می‌تواند چنین مواردی را تأمین کند، پس دارای مقبولیت و مشروعیت است. همچنین برعهده گرفتن مسئولیت عمومی، لزوماً پیوندی با خصوصیات اخلاقی دارنده آن ندارد و حتی اگر سلطان و کارگزاران سیاسی جائز باشند، «رعایا» حق ندارند از تکالیف خود نسبت به آنها سرباز زنند و به طریق اولی حق عصیان و شورش علیه ایشان را ندارند^(۴).

در مورد شیعیان باید گفت اولاً نگرانی اینان در مورد امنیت و حفظ نفوس و دماء و اغراض و حیثیات مسلمین، به هیچ وجه کمتر از حساسیت علمای اهل سنت نیست. با وجود چنین حساسیتی آنها مسئله عدالت را فراموش نکرده و در اندیشه و اعتقاد

آنان این اصل تحت شعاع اصل امنیت قرار نگرفت. علت این امر پیروی از سیره ائمه (ع) و نصوص ویژه و موثق و مورد قبول آنان بود. البته بخشی از این قضیه نیز از این واقعیت تاریخی منشأ می‌گرفت که در اکثر برهه‌های تاریخی، عملاً این اهل سنت بودند که قدرت را در دست داشتند و مسئولیت حفظ جامعه و مرزهایش برعهده آنان بود و خودکامگان هیچ‌گاه مجال چندانی به تأسیس حکومت تشیع ندادند.

شیعه هیچ‌گاه نمی‌توانست بنا به آموزه‌های قرآنی و روایی خویش، مشروعیت حاکم و واجب‌الاطاعه بودن قدرتی را که از راه‌های نامشروع تحصیل شده و به شیوه‌ای مغایر با ضوابط شرعی عمل می‌کند، بپذیرد و چون چنین بود نمی‌توانست از این بابت او را تأیید کند و اگر احیاناً مجبور به تأیید و حمایت از او می‌شد، به دلایل فرعی و ثانوی همچون ضرورت وجود حکومت و جلوگیری از فتنه هرج و مرج، ترویج تشیع، دفاع از مرکزیت شیعی حکومت‌ها و حفظ دماء و نفوس شیعیان و غیره بوده است.

البته این تعمیم که آرمان‌خواهی و عدالت‌طلبی تشیع سبب می‌شده شیعه هرگز با قدرت‌هایی که بر سرکار بوده‌اند کنار نیاید، درست نیست. برعکس، متکلمان و فقهای شیعه - و از جمله محقق سبزواری - در بهترین بخش از تاریخ خود یعنی عصر صفوی، هوشیاری سنجیده‌ای در یافتن راه‌های علمی هماهنگی با حکام وقت به خرج داده‌اند تا امنیت و بقای پیروان خود را تضمین کنند؛ ولی آنچه در این‌گونه موارد، مصلحت‌اندیشی شیعی را از مصلحت‌اندیشی سنی متمایز می‌گرداند، این است که این هماهنگی نشان دادن و همکاری‌ها غالباً ماهیتی مستعجل و موقت داشته و هرگز موضع عقیدتی اساسی شیعه را که همه قدرت‌ها و دولت‌های دنیوی را در غیبت امام عادل غائب، نامشروع می‌داند، تهدید یا تضعیف نمی‌کرده است.

درحقیقت عملکرد کلی فقها و علمای شیعه درمقابل حکومت‌های جائر شامل سه رویکرد «پارسایانه»، «مسالمت‌جو» و «فعال‌گرا» بوده است. در رویکرد فعال‌گرا، آمیختگی دین و سیاست و مبارزه عملی با بی‌عدالتی و استبداد و حتی نفوذ بیگانگان مشهود است. اوج فعالیت این رویکرد، طرح تشکیل حکومت اسلامی به‌زعامت ولی فقیه عادل و بر پایه نظریه ولایت فقیه است که صورت مدون و مشخص آن را امام خمینی (ره) بیان کرده است.

همچنین در برهه روی کار آمدن حکومت‌های شیعی همانند عصر صفوی، شاهد

رویکردی مسالمت‌جو هستیم که طی آن علما با عمل و نظر خود به‌نوعی بر همراهی و حمایت از اقتدار سیاسی حکام صحه می‌گذارند. این رویکرد قبول مناصب دولتی در دستگاه غیرعادله را به شرطی که بتوان گامی در جهت ترویج شیعه و دفاع از شیعیان برداشت، جایز می‌دانست.

اما در برخی مقاطع تاریخی، علمای شیعی طبق رویکرد پارسایانه، سکوت‌گرایی پیشه کرده‌اند که ماهیتاً با آنچه نزد اهل سنت رایج بود، متفاوت است. انفعال سیاسی شیعه بر «انتظار» و حکم «تقیه» مبتنی است که در هر دو، نوعی عدم موافقت با نظم موجود و مقاومت منفی در برابر نظام نهفته است و همچنان بر روحیه آرمان‌خواهانه شیعی و عدالت‌خواهی تأکید دارد؛ درحالی‌که در میان سنیان، سکوت سیاسی به‌معنای پذیرش واقعیت‌های ناگزیری - همانند حاکم جائر و غالب - است که بدیل مقبولانه‌تری نیز بر آن متصور نمی‌باشد. ناگفته نماند که بخشی از سکوت‌گرایان شیعی نیز به ورطه جمود و تحجرگرایی و پرهیز دائم از سیاست کشیده شدند.

لازم به ذکر است درحالی‌که علمای سنی تا آنجا که منصبی در حکومت جور می‌پذیرفتند و به میل خویش درصدد اعتبار بخشیدن به موجودیت حکومت مزبور بودند تا حکومت اسلام دوام یابد، فقهای امامیه، با توسل به تقیه قادر بودند برای اهدافی خاص با زمامداران همکاری کنند و درعین حال، آرمان عدالت‌خواهی خویش را حفظ نمایند.

فقهای شیعی در همه دوران‌ها و از جمله در عصر صفوی اعتقاد داشتند تجویز بر همکاری جهت اهداف مشروع پیش‌گفته از سوی ائمه (ع) صورت گرفته است و اگر آنان مسئولیتی را نیز در حکومت جور بپذیرند، این توتلی امر، به‌ظاهر از ناحیه حاکم ظالم است درحالی‌که در اصل از طرف امامان حق (ع) می‌باشد. در نظر آنان پذیرفتن مناصب عامه در حکومت ظالمان به‌هیچ‌وجه قدرت آنان را مشروعیت نمی‌بخشید، بلکه آنها در حال تقیه بودند و به‌عنوان نایبان امام عمل می‌کردند و نه نایبان حاکم که در نظر آنان به یک معنا، بی‌ربط و نابجا بود^(۵).

۲-۲. تأمین امنیت، وظیفه اصلی حکومت‌ها در قدیم

در بحث از کارویژه و وظائف حکومت‌های گذشته باید اذعان نمود بیشترین توقع از این نظام‌ها تأمین امنیت و ثبات و نظم بود و همه ارزش‌ها در آن خلاصه می‌شد. این توقع متأثر از اوضاع آن روزگار بود که مردم در آن شرایط ناامنی و بروز تهدیدهای

متعدد، به جای درخواست خدمات از نظام‌های زمانه خویش، خواهان اهدای برترین نعمت یعنی امنیت بودند و آن را چونان مهمترین وظیفه به‌شمار می‌آورند. از این‌رو حفظ مال و جان و عرض و ناموس مردم در اوضاع بی‌ثبات آن دوره بسیار با اهمیت به حساب می‌آمد. بنابراین اگر مسئله نه از زاویه دید امروزی بلکه با توجه به شرایط گذشته نگریسته شود، اهمیت موضوع و میزان دلواپسی فقها و متکلمان بزرگ اهل سنت درک می‌شود که چگونه از حفظ شعائر و حدود و احکام دینی تا حفظ جان، مال و ناموس مردم و همچنین تأمین مصلحت دنیا و آخرت را در گرو تأمین و حصول امنیت می‌دانستند.

«عموم بزرگان اهل سنت که درباره امامت و خلافت کتابی نوشته‌اند و یا به مناسبتی بدان پرداخته‌اند، اولین و مهمترین وظیفه حکومت را حفظ امنیت دانسته‌اند و حتی برخی از آنان چنین وظیفه‌ای را به‌عنوان تعریف برگزیده‌اند. از فرد محتاط و صوفی‌منشی چون غزالی گرفته تا شخص سرسخت و متصلبی چون ابن‌تیمیه و از دانشمند سیاست‌دان و اهل سیاستی چون ماوردی گرفته تا متفکر روشنفکر و روشن‌بینی چون ابن‌خلدون، همگی این اهتمام ویژه را به امنیت داشته‌اند.»^(۶)

۳-۲. تهدیدها و حملات مداوم علیه دارالاسلام

اسلام در طول تاریخ، پیوسته درگیر معارضان و مخالفان سرسخت و کینه‌توز داخلی و خارجی بوده است؛ درگیری و منازعه‌ای که از گذشته تاکنون پیوسته ادامه داشته است. اساساً موقعیت جغرافیایی دارالاسلام از همان ابتدای ظهور و گسترش، به گونه‌ای بود که آن را در معرض تاخت‌وتاز و حملات مداوم و بی‌امان قرار می‌داد. مهمترین این خطرهای یکی از جانب شرق بود که اقوام عموماً زردپوست آسیای میانه از همان نخستین ایام، قلمرو شرقی اسلام را تهدید می‌کردند. تهدیدی که تا مدت‌ها پس از حمله مغول نیز ادامه یافت. این تهاجمات گسترده و سازمان‌یافته که با مسائلی نظیر ویرانی شهرها، غارت و چپاول بلاد، کشتارها و قتل‌عام‌های فجیع، به اسیری و بردگی گرفتن خانواده‌ها، فرار بسیاری از مردم و کاهش شدید جمعیت و نابودی نظام‌های آبیاری و کشاورزی همراه بود، تأثیر بسیار مهمی در تثبیت ناامنی و تقدیس امنیت گذاشت و منجر به رکود اقتصادی - اجتماعی و تخریب بنیان‌های فرهنگی و اجتماعی و خلاصه انحطاط داخلی شرق و جهان اسلام شد.

تهدید دیگر از طرف غرب بود و از جانب مسیحیان و صلیبیان بود که تا اواخر

قرن حاضر به شکل نظامی ادامه یافت و هنوز به شکل جنگ روانی ادامه دارد. رهبران مسیحی به دلیل بی‌اطلاعی از اسلام و اینکه آنها این دین را ارتدادی از مسیحیت می‌دانستند و به شدت از فتوحات مسلمین در بلاد مسیحی هراسان و خشمگین بودند، با بهره‌گیری از جهالت مردم و خرافه‌گرایی، از اواخر قرن یازدهم تا اواخر قرن سیزدهم میلادی (۱۲۷۰-۱۰۹۵م) این جنگ‌ها را به مسلمین تحمیل کردند. بدین ترتیب، از اواخر قرن پنجم تا اواسط قرن هفتم هجری مسیحیان به بهانه تصرف بیت المقدس ۸ بار با مسلمانان جنگیدند و در بلاد اسلامی فجایع بی‌شماری را به بار آوردند؛ هرچند آنها موفق به دستیابی به سرزمین‌های مقدس نشدند و از لحاظ نظامی شکست خوردند، با این حال، دستاوردهای جنگ صلیبی برای غرب مثبت و برای جهان اسلام مصیبت‌بار بود و چرخه بی‌ثباتی و ناامنی و انحطاط آنها را سرعت بخشید.

شایان ذکر است درگیری‌های میان کشورهای اسلامی از جمله ایران صفوی شیعی با ترکان عثمانی سنی نیز شیرازه نظم و امنیت و ثبات را در این کشورها با تضعیف و سستی دائمی مواجه کرد و بر ترجیح بیشتر امنیت بر هر فضیلت سیاسی دیگری در نزد عامه مردم و خاندان‌های حکومت‌گر افزود.

۴-۲. درگیری‌ها و آشوب‌های دائم سیاسی و فرقه‌ای

گسترده‌گی دارالاسلام و حضور اقوام، فرهنگ‌ها و ملیت‌های متنوع در آن، زمینه دریافت‌های مختلف و ظهور فرقه‌ها و کیش‌های مذهبی متعددی را فراهم ساخت که بدون بازتاب امنیتی نبود. درک‌های متفاوت از اسلام و آمیخته نمودن این دیانت با رسوم و خرافه‌ها و علائق بومی و تعصبات نژادی، فرقه‌گرایی‌های بی‌پایان و تنش‌های دینی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را فراهم نمود. ازسویی تبدیل امامت و خلافت به ملوکیت و احیای تعصبات قبیله‌ای و نژادی و اعمال شدید خودکامگی و سرکوب، سبب تشدید جنبش‌ها و آشوب‌های فراوانی علیه سلسله‌های حکومت‌گر در بلاد اسلامی گردید. در نتیجه جهان اسلام از صدر اسلام از یک‌سو، با متجاوزان خارجی درگیر بود و ازسوی دیگر، با گردن‌کشان و یا آزادی‌خواهان داخلی و جنبش‌های متعدد دینی و غیردینی. این قیام‌ها و تشکیل سلسله‌های متعدد رقیب و در حال نزاع، سبب از میان رفتن وحدت جهان اسلام و تضعیف نیروهای مختلف آن شد و به ناامنی، استمرار بیشتری بخشید. بدیهی است در چنین اوضاع و احوالی،

اندیشه‌مندان اسلامی به‌ویژه عالمان اهل تسنن که مذهب آنها همواره دستی در حکومت داشت، نمی‌توانستند به چیزی جز امنیت و قدرتی که بتواند آن را به ارمغان آورد، بیاندیشند و آن را تقدیس نکنند. بسیار واضح است در کشاکش‌های شیعی و سنی میان صفویان و ترکان عثمانی و در عصری که صفویان ضمن علاقه و ارادت شخصی به تشیع، از این مذهب همچون ملاط ایدئولوژیک نظام و مردم خود، درمقابل حکومت سنی مذهب عثمانی استفاده می‌کردند، موضوع امنیت و حفظ مرزها و ثبات سیاسی و اجتماعی، از اصلی‌ترین دغدغه‌های مردم و حکومت‌های آن دوره به‌حساب می‌آمده است.

۳. عصر و جایگاه محمدباقر (محقق) سبزواری

تشکیل دولت صفویه در ایران، در قالب یک دولت شیعه اثنی‌عشری، یکی از طولانی‌ترین و پُرجاذبه‌ترین فصول تاریخ اسلام و ایران است، زیرا پیروان این مذهب به مدت ۹ قرن به مبارزات بی‌امان خود ادامه دادند تا آنکه مذهب شیعه، دین رسمی ایران اعلام گردید^(۷). بدین ترتیب، نخستین نتیجه تشکیل دولت صفویه - به‌مثابه مذهب رسمی - به‌رغم ایجاد شکاف در صفوف مسلمانان، موجب وحدت جامعه ایران و مانع دستیابی عثمانی‌ها و احتمالاً ازبکان بر این کشور شد. ازسوی دیگر، چون اروپاییان از تشکیل دولت قوی و تازه‌تأسیس عثمانی نگران بودند، تشکیل دولتی شیعی سبب شد ایران نیز مورد توجه کشورهای اروپایی شود و در صحنه سیاسی و جهانی به شهرت بزرگی دست یابد.

سلسله صفوی درعین حال که همانند بسیاری سلسله‌های دیگر، حکومتی متغلب و خودکامه و سفاک بود^(۸)، با این وجود، محاسن بسیاری نیز داشت؛ از جمله اینکه توانست از ایران «ملتی دوباره» مستقل، خودمحمور، پر قدرت و مورد احترام بسازد که مرزهای آن در زمان پادشاهی شاه عباس اول با مرزهای امپراتوری ساسانی برابر بود. در این دوره بود که اصفهان شهرت «نصف جهان» یافت و بازرگانان و هیئت‌های سیاسی نه تنها از هندوستان و ماوراءالنهر و عثمانی، بلکه از کشورهای اروپایی از روسیه تا اسپانیا و پرتغال به ایران و به اصفهان وارد می‌شدند^(۹). در هر صورت، تأسیس سلسله صفوی به‌منزله ارتقای سیاسی ایران از حیث ژئوپولیتیکی - نه به‌معنای قومی - در سطح یک دولت ملی بود^(۱۰) و بدیهی است که در این مسیر، همکاری علمای شیعی با زمامداران این سلسله، نقش بسیار مؤثری را ایفا نمود. البته همان‌طور که قبلاً بیان

شد همکاری این علما و از جمله محمد باقر سبزواری، با هدف دستیابی به اهداف عالی‌ای از جمله اجرای شریعت، گسترش تشیع، مقابله با تهدیدها علیه دارالاسلام و با این نیت باطنی که امامت و رهبری اصلی با امام زمان (ع) است، صورت می‌پذیرفت. برخی به درستی دوره قرن دهم تا سیزدهم هجری - شروع سلطنت صفویان - را عصر «سلطنت مشروعه» یا عصر «سلطنت و ولایت» نامیده‌اند^(۱۱) که مبتنی بر دو رکن زیر بوده است:

رکن اول، ولایت انتصابی فقیهان در امور حسبیه یا در اینجا شریعات (شامل افتاء، تبلیغ احکام شرعی، امر به معروف و نهی از منکر، اقامه جمعه و جماعات، امر قضاوت و اجرای حدود، جمع‌آوری مالیات، اداره اوقاف عام و سرپرستی افراد بی‌سرپرست و غیره) رکن دوم، یعنی خارج از محدوده شریعات که به آن عرفیات اطلاق می‌شود، مسلمان صاحب شوکت با شرایطی مانند مسلمانی، قائل بودن به ولایت حق اهل بیت (ع)، داشتن اقتدار لازم در اداره مملکت و دفاع از مسلمانان و غیره به رسمیت شناخته می‌شود. از این منظر، دیگر حاکم عادل منحصر به معصومین (ع) در عصر غیبت نیست و شاه بر دین حق که عدالت و صلاح مردم را در نظر بگیرد و به شریعت پایبند باشد، می‌تواند در امور عرفیه مانند ایجاد نظم و امنیت و اداره بلاد و دفع تجاوز و برقراری روابط با دیگر دولت‌ها، به مثابه پادشاه اقدام نماید. از سوی دیگر، وظیفه مردم تبعیت از فقها در شریعات و اطاعت از اوامر شاهان در عرفیات است.

باید اذعان نمود اصل همکاری و تعامل محقق سبزواری با صفویان و به ویژه با شاه عباس دوم بر اساس نظریه سلطنت مشروعه استوار بوده است. شایان ذکر است دوره زندگی این اندیشمند، حکیم، فقیه و دانشور شیعی در قرن یازدهم هجری شیعی (۱۰۹۰-۱۰۱۷هـ.ق) با دوران سلطنت چهار پادشاه صفوی اشتراک داشته است:

۱- دوره سلطنت شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶هـ.ق)

۲- دوره سلطنت شاه صفی (۱۰۵۲-۱۰۳۸هـ.ق)

۳- دوره سلطنت شاه عباس دوم (۱۰۷۷-۱۰۵۲هـ.ق)

۴- دوره سلطنت شاه سلیمان (۱۱۰۵-۱۰۷۷هـ.ق)

سبزواری پس از وفات پدرش، از زادگاه خویش یعنی سبزوار به اصفهان آمد و در آنجا سکنی گزید و در اندک زمانی از سرآمدان عصر خود شد؛ به گونه‌ای که پس از چندی به درخواست شاه عباس دوم، سمت امامت جمعه و جماعات و منصب

شیخ‌الاسلامی را پذیرفت و از این زمان اولاد و اعقاب او به «شیخ‌الاسلام» معروف و مشهور شدند. محقق سبزواری نزد شاه عباس دوم و وزیر دانشمند او خلیفه سلطان، بسیار عزیز و محترم بود. خلیفه سلطان وی را بسیار دوست می‌داشت و وی را بر نزدیکان خویش مقدم می‌شمرد^(۱۲).

گفتنی است محقق سبزواری و چند تن دیگر از عالمان هم عصر وی، نظیر فیض کاشانی، پیرو مکتب مقدس اردبیلی (متوفای ۹۹۳ ق) بوده‌اند. ویژگی این مکتب و شخص مقدس اردبیلی، اتکا بر فکر و اجتهاد تحلیلی و تدقیقی، بدون توجه به آراء و انظار پیشینیان است^(۱۳).

باید اضافه نمود درباره نحلّه و یا گرایش اندیشه سیاسی سبزواری با توجه به نوع نگارش کتاب روضه‌الانوار، چند دیدگاه مطرح شده است؛ برای نمونه برخی او را جزء فقیهان سیاسی و برخی دیگر جزء سیاست‌نامه‌نویسان قلمداد کرده‌اند و یا از سویی مؤلف کتاب «فلسفه سیاست در تمدن اسلامی» بخش‌هایی از کتاب او را جزء نحلّه فلسفه تاریخ همانند نحلّه ابن‌خلدون می‌داند و بخش‌های دیگری از این اثر را جزء فقه سیاسی به‌شمار می‌آورد. استدلال موسی نجفی جهت لحاظ روضه تحت عنوان اثری در حوزه فلسفه تاریخ این است که نویسنده در برخی مباحث از قوانین تاریخی یا اجتماعی در بیان نحوه دوام و بقای ملک سخن می‌گوید^(۱۴).

همچنین دو مصحح روضه‌الانوار نیز دو نظر متفاوت در این زمینه ابراز نموده‌اند. یکی از ایشان روضه را در صنف سیاست‌نامه‌ای بر مبنای شرعیات به حساب آورده است و در جای دیگر آن را در مباحث اخلاقی یا به اصطلاح علوم عقلی در حکمت عملی (شامل تهذیب نفس، تدبیر منزل، سیاست مُدن) گنجانیده است^(۱۵)؛ اما مصحح دیگر با طرح یک تقسیم‌بندی تازه، سعی کرده اندیشه محقق را در «چهارچوب جدیدی به نام گفتمان اصلاح» مورد بررسی قرار دهد^(۱۶).

محقق در مقدمه، هدف خود را «تألیف کتابی می‌داند مشتمل بر آنچه پادشاهان را در کار باشد به حسب نجات و رستگاری اخروی و آنچه ایشان را نافع باشد به حسب تدبیر و مصلحت ملکی»^(۱۷). البته این نکته را نباید فراموش کرد که تأکید این‌گونه اندیشه‌مندان بر لفظ پادشاهی، درحقیقت تأکید بر ضرورت نظام سیاسی و دولت است که در آن موقع، مصداق صرف و بارز آن فقط در واژه پادشاهی نمود داشته است.

مؤلف در مقدمه به مباحث نظری سیاست آن دوره مانند ضرورت تشکیل اجتماع

و حکومت و بحث ثبات نظام سیاسی و راه‌کارهای تأمین آن پرداخته است. ضمن آنکه کتاب دارای دو بخش اصلی است. در قسمت، اول مباحث اخلاق به‌مثابه دیباچه سیاست آورده شده و در قسمت دوم، سیاست مدن و آداب سلطنت و ملک‌داری به تفصیل بیان گشته است.

در مورد منابع کتاب هم باید گفت گرچه محقق از آثاری مانند سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک، جوامع‌الحکایات عوفی، تاریخ و صاف، تجارب‌الامم مسکویه، اخلاق محسنی، اخلاق محتشمی، اخلاق ناصری، لوامع‌الاشراق، تذکره‌الاولیاء، چهار مقاله عروضی و تاریخ طبری استفاده نموده است اما در بسیاری مباحث، آثار بهره‌گیری وی از نهج‌البلاغه امام علی (ع) به چشم می‌خورد؛ همچنان‌که او در پایان کتاب خویش ترجمه کامل نامه ۵۳ امام به مالک اشتر (والی مصر) را به‌طور کامل آورده است که در واقع عالی‌ترین منشور دولت داری بشری است.

۴. عوامل پدیدآورنده امنیت از دیدگاه سبزواری

دیدگاه‌های این اندیشمند در باب امنیت از دقت و جامعیت در خوری برخوردار است. سامان‌دهی اقتصاد سیاسی، به‌ویژه در جهت آبادانی مملکت و فزونی تولید بر مصرف و صادرات بر واردات و در همه حال توجه به عدالت اجتماعی و گسترش تجارت خارجی، سامان‌دهی امور نظامی، انتظامی و امنیتی، به‌ویژه از طریق تقویت نیروهای مسلح، رسیدگی به مرزها، رسیدگی به وضعیت معیشتی نیروهای مسلح و توجه اکید به مسائل اطلاعاتی و سامان‌دهی امور مربوط به دیپلماسی و سیاست خارجی کشور از جمله سازوکارهای مهم تأمین امنیت ملی در تفکر سبزواری به حساب می‌آید که به تفصیل در کتاب مهم خویش «روضه‌الانوار عباسی» به آنها اشاره نموده است. در اینجا برخی از این دیدگاه‌ها بیشتر تشریح می‌گردد:

۴-۱. سامان‌دهی و اصلاح مدیریت مالی و معیشتی و توسعه و آبادانی کشور

در این باره او در ضرورت سامان‌دهی و اصلاح امور مالی می‌نویسد: «تدبیر خزائن و اموال، رکنی عظیم از ارکان پادشاهی است و در این باب، از قانون عقل و شرع تجاوز کردن، موجب فساد امر دنیا و آخرت است.»^(۱۸)

او فساد امر دنیا و اصلاح آن را چنین تبیین می‌کند: «... بنابراین‌که قوام پادشاهی، بی‌اعوان و انصار و عساکر بسیار صورت نمی‌یابد و عساکر، بدون مال و وفور خزائن منتظم نمی‌شود، پس هرگاه پادشاه را مال نباشد و خزانه معمور نباشد از عهده اقوات

و ارزاق و مؤونات لشکر بیرون نتواند آمد و چون وفوری در اموال و خزائن پادشاهی نباشد، لشکرها مختل باشند و سرانجام ایشان نتواند کرد و اسب و سلاح و آلت و عدت حرب تهیه نتوان نمود. بر پادشاه لازم است که تدبیر خزائن و اموال بنماید و در این باب، از اهمال و اغفال احتراز لازم داند.^(۱۹)

سبزواری در راستای «تعمیر بلاد و مواضع ملک» و به تعبیر امروزی در جهت توسعه و آبادانی کشور، تدبیر خزائن و اموال را مبتنی بر تدبیر مداخل (درآمدها) و تقدیر مخارج (هزینه‌ها) می‌داند و راهکارهای افزایش درآمد دولت و ضرورت قناعت و حسابرسی مالی را در این دو تدبیر اخیر یادآور می‌شود؛ بدین ترتیب میان نفی فساد و ناامنی و افزایش درآمد و سرانجام عمران و آبادی خرابی‌های مملکت، رابطه دوسویه‌ایی برقرار می‌کند. به ادعای سبزواری در زمان پادشاهی شاه طهماسب و شاه عباس اول، به دلیل تدبیرهای مالی و قناعت‌پیشگی ایشان - که او نیز به تفضیل آنها را تشریح و توصیه می‌کند - خزانه پُر، لشکرها آماده و فقرا و مساکن و یتیمان مرفه بوده‌اند و از این رو، لشکرکشی‌های متعدد سلطان سلیمان عثمانی و نیز خان ماوراءالنهر و خان ترکستان به ایران نه تنها در زمان طهماسب با شکست مواجه شد بلکه در زمان شاه عباس اول، پیروزی‌های بزرگ نظامی مانند فتح عراق، قندهار و قلعه هرمز را نصیب ایران ساخت^(۲۰).

۲-۴. عدالت‌پیشگی، نفی تغلب و خودکامگی

۳-۴. شایسته‌گزینی و کاردانی عاملان و کارگزاران حکومت

وی همانند بسیاری از اندیشه‌مندان اسلامی به‌ویژه شیعی، میان عدالت با امنیت و رفع بی‌ثباتی و ناامنی، تناسبی مستقیم برقرار می‌نماید:

«هرگاه پادشاه در عدالت کوشد و دفع ظلم و طغیان بنماید و شر متقلبان را از رعایا و زیردستان رفع می‌نماید، مردمان به فراخ بال و رفاه حال، به امر عمارت و زراعت، اشتغال نمایند.»^(۲۱)

نکته جالب در فقره بالا در این است که سبزواری، حاصل نفی تغلب را امنیت به‌شمار می‌آورد که این دو نیز محصول عدالت‌ورزی نظام سیاسی می‌باشند. همچنان که عدالت‌ورزی عمال و کارکنان حکومت و اصلاح وضعیت ایشان و کاردانی و شایسته‌گزینی آنها به عمران و رفیع خرابی‌های مملکت و ثبات آن می‌انجامد. وی با استناد به حدیث امام علی (ع) در این باره که «الاعمال یستقیم بالعمال» - کارها به

عاملان مستقیم می‌شود- پادشاه و نظام سیاسی را مسئول تعدی، ندانم‌کاری و بی‌تدبیری کارگزاران می‌داند.

۴-۴. داشتن مناسبات اسلامی و انسانی حکومت با مردم و مددکاری آنها در سختی‌ها

محقق سبزواری از پادشاه و عاملان او می‌خواهد در سختی‌ها و مشکلات و خراج‌ستانی، مددکار رعایا بوده و این امر را ضامن آبادی بلاد می‌داند:

«تعدیل عمال و اصلاح حال ایشان قوی‌ترین اسباب (افزایش درآمد) است؛ چه هرگاه ایشان ظلم کنند و بی‌وقوف باشند و کاردان نباشند، ملک رو به خرابی کند و مرتبه مرتبه از خرابی متولد شده؛ چه خرابی از امراض مسریه است که عضوی به عضوی سرایت می‌کند»^(۲۲)... و غالب آن است که سبب نقصان حاصل و ارتفاعات (درآمدها) بلاد، تعدی و ظلم و بی‌تدبیری و ندانی عمال و حکام می‌باشد. باید که پادشاه در مقام اصلاح دینی امور درآید و غافل نشود و در تدارک آن به اقصی‌الغایه بکوشد و عمال بد را تبدیل کند و جبر شکستگی رعایا نماید؛ در تقویت و عنایت و تخفیف مؤونات و احوالات نسبت به اهل آن ناحیه اهمال ننماید^(۲۳)... و اگر آفتی عارض شده باشد، مثل آنکه سیلی یا طغیان آبی، خرابی کرده باشد... یا در گرفتن خراج تأخیر نماید، بلکه اگر مددی در کار باشد، از مال دیوانی‌ها بدهد تا مواضع آبادان نشود و چون آبادان شود، اضعاف آن منفعت به پادشاه خواهد رسید»^(۲۴)

بدین ترتیب، این محقق شیعی نه تنها طرفدار تغلب و زورمداری و نظریه امنیت در سایه شمشیر نیست بلکه مناسبات اسلامی و انسانی پادشاه و کارگزاران وی با مردم را توصیه کرده و آن را مایه تثبیت و ارتقای آبادانی و امنیت کشور به‌شمار می‌آورد.

۴-۵. اصلاح، بهینه‌سازی و سامان‌دهی تجارت داخلی و بین‌المللی و سلوک نیکو با تجار

۴-۶. همزیستی مسالمت‌آمیز با همه ادیان، ملیت‌ها و مذاهب و نفی فرقه‌گرایی

سبزواری در عبارات دیگری حول محور «ارتقای سطح امنیت ملی» نحوه اصلاحات و ساماندهی تجارت داخلی و بین‌المللی را مورد بحث قرار می‌دهد و موضوعاتی مانند ضرورت احترام به معاهدات و قراردادهای بین‌المللی، افزایش تخصص تجاری مأموران حکومتی و از همه مهمتر ضرورت رعایت حسن سلوک پادشاه و کارگزاران حکومتی با تجار، از هر ملیت و مذهب و دینی را یادآور می‌شود و این امر را ضمن آنکه مایه تحصیل رضایت الهی می‌داند، سبب دوام نعمت و بقای دولت به‌شمار می‌آورد. دیدگاه وی در این زمینه از آنجا اهمیت دارد که نشان می‌دهد وی به هیچ‌وجه

در دیدگاه‌های خود فرقه‌گرا نبوده و برخلاف پاره‌ای از پیروان مذاهب دیگر، به هم‌کیشان سایر فرقه‌های اسلامی رویکرد منفی امنیتی نداشته است^(۲۵)؛ همچنان‌که طرفدار همزیستی مسالمت‌آمیز همه ادیان و ملیت‌ها و مذاهب بوده است و این رویکرد را نه تنها مایه آبادی و امنیت کشور به‌شمار می‌آورد بلکه توسعه نشر اسلام را در آن می‌دید. سبزواری ضمن اینکه برخورد بد با تجار مغولی را مایه حمله چنگیز به ایران و بروز آن همه فجایع می‌داند، می‌نویسد:

«رعایت مقدماتی که بیان شد، (آنچه در باب تجارت تاکنون گفته‌ایم) نسبت به غربا و مردم بلاد دیگر، بیشتر ضرور است، بلکه نسبت به اهل ذمه و کفار و مخالفان مذهب [اهل تسنن] نیز مراعات این امور لازم است؛ چه با اشمال بر فوایدی که مذکور شد، این فایده را دارد که چون کفار هرگاه در بلاد اسلام از پادشاهان اسلام و نواب و خواص ایشان حسن سلوک و حسن سیرت و معدلت و انصاف و راستی و دیانت و حسن خلق و حلم و احسان مشاهده کنند، ایشان را رغبت تمام به دین اسلام حاصل می‌شود و اعتقاد نیکو به این دین به هم می‌رسانند و بسیار باشد که به دین حق درآیند. مع‌ذالک چون راضی و خشنود باشند و احسان دیده باشند، در نشر خوبی دین اسلام و پادشاه اسلام و ایمان و اهل ایمان، به غایت خواهند کوشید.»^(۲۶)

۷-۴. وفای به معاهدات و پیمان‌ها، استفاده از مدیریت قوی در مناطق مرزی

سبزواری با درس‌گیری از حادثه حمله چنگیز به ایران، بر ضرورت سلوک نیکو با تجار غربیان و جلوگیری از نقص عهد و پیمان‌ها، تأکید کرده و معتقد است پادشاهان در مناطق مرزی باید مردمان عاقل اصیل، نصب نمایند تا گرفتار فتنه و آشوب نشوند و به‌صرف شنیدن اخبار و بدون تحقیق و کشف حقیقت، نباید دستور خونریزی و قتل صادر نمایند^(۲۷).

۸-۴. برخورداری از ارتش نیرومند و همواره مهیا

۹-۴. برخورداری از دیپلماسی و سیاست خارجی و اطلاعاتی قوی، هوشمند و محتاط

با توجه به درگیری‌های گسترده نظامی صفویان هم‌دوره سبزواری، آموزه‌ها و دیدگاه‌های نظامی و امنیتی وی بسیار گسترده است. او با تفصیل بسیار، ضمن تأکید بر ضرورت نیروهای نظامی (قوی) و داشتن سیستم اطلاعاتی قوی و حفاظت از اسرار خود، وظائف دولت در قبال سپاهیان، کیفیت و شرایط مطلوب سپاهیان، شرایط فرماندهان نیروهای مسلح (عساکر)، شرایط محافظان قلعه‌ها و مرزداران، ضرورت خبرگیری و انواع آن و شرایط مأموران اطلاعاتی را مورد بحث قرار داده است و از سویی دیگر در طرف دیگر این

آمادگی‌های دفاعی امنیتی بر لزوم دیپلماسی و سیاست خارجی قوی و شرایط آن در جهت استحکام آموزه‌های دفاعی امنیتی پای فشرده است. همچنان‌که در این مسیر، توسعه تجارت بین‌المللی و کاستن از اوقات فراغت و التذاذ هیئت حاکمه را لازم شمرده است^(۲۸). از سویی سبزواری هشدار می‌دهد دولت‌ها باید هشیار باشند و از تملق و خوش‌آمدگویی کشورهای دیگر نسبت به خود فریب نخورند و حساسیت‌های امنیتی خود را کاهش ندهند و برعکس، در شرایط صلح و آرامش و دوستی، بیش‌ازپیش به تقویت مسائل مربوط به امنیت خویش بپردازند. بدینی و احتیاط از اصول روابط خارجی به حساب می‌آید. منبع وی در طرح چنین دیدگاهی تاریخ است. به نظر وی مطالعه تاریخ به ما نشان می‌دهد در بسیاری مواقع، پادشاهان، سفرایی برای اظهار دوستی فرستاده‌اند، اما هنوز رسولان ایشان بر نگشته‌اند که آنها حمله را آغاز کرده‌اند؛ از این رو همچون یک اصل توصیه می‌کند که:

«از این غافل نباید بود که یکی از تدبیرات ملوک است که در وقت تمهید حروب، دشمنان را به اظهار دوستی و مهربانی در خواب نمایند.»^(۲۹)

در اینجا به اختصار برخی آموزه‌های این حکیم و فقیه شیعی، در امور دفاعی - امنیتی را یادآور می‌شود:

«و باید دانست که بر طبع بنی آدم، فساد و غلبه مستولی است و بسیاری از مردمان جابر و متغلب را داعیه آن است که آنچه در تصرف دیگری ببینند، به جور و تعدی بگیرند و اگر ملکی در تصرف کسی باشد، اگر دیگری زور و قوت و توانایی در خود یابد، طمع گرفتن آن ملک می‌نماید و به آنچه خود دارد، قناعت نمی‌کند... و (لذا بر پادشاه لازم است) دفع آفت متغلبان و طامعان به شمشیر بکند. پس بر پادشاه از همه چیز لازم‌تر، نسق و تربیت سپاه است چه آنها سپاهیان حاملان ملک و ملت‌اند و حارسان بیضه اسلام و دافعان آفات ظالمان و متغلبانند. فی‌الحقیقه، امر پادشاهی به وجود سپاه قائم است، پس بر پادشاه لازم است که سپاه به قدری که در حفظ مملکت او ضرر است مقرر دارد؛ بلکه کوشش نموده باشد که روزبه‌روز عدد سپاه او زیاد می‌شده باشد^(۳۰)... و شرط عقل نیست که اگر وقتی چند، جهان ساکن باشد و از هیچ طرفی شورش و فتنه‌ای نباشد، مملکت غافل گردد و در تنظیم امور سپاه و اعداد آن جهت وقت حاجت نکوشد... چه، این خیال، وهمی است ضعیف و موافق قانون حکمت عقل نیست؛ زیرا که آرمیدگی طبیعی، مزاج این جهان نیست و بنای مزاج عالم کون و فساد، بر تغییر و انقلاب و اضطراب است^(۳۱)... و هیچ‌کس و هیچ‌چیز بر

یک حال باقی نمی ماند و پیش تر کسی خبردار نمی شود که از فلان ناحیه، دشمنی قوی به حرکت در خواهد آمد؛ مانند بیماری که پیش تر از حدوث آن خبر به کسی نمی رسد... پس بر پادشاه لازم است که پیش از وقوع وقایع و حدوث حوادث، سرانجام لشکرها بنماید^(۳۲)... و لشکر همیشه از معضلات مهمات امور ملک است. باید که ملک در این باب از خود به تغافل و اهمال راضی نشود و آن قدر که ممکن باشد از خرج های خود کم کند و بر لشکر افزاید.^(۳۳)

۱۰-۴. داشتن سامانه اطلاعاتی، امنیتی و جاسوسی نیرومند

سبزواری با تأکید بر اهمیت رازداری و حفظ اسرار نظام سیاسی، داشتن سیستم اطلاعاتی قوی را توصیه کرده و آن را به دلیل توانایی در شناسایی تدبیرهای دشمن، در حکم بزرگترین سلاح علیه دشمن می داند:

«از وظائف امور ملک، آن است که اسرار خود پوشیده دارد تا بر اجابت رأی و فکر قادر باشد و از آفت مناقصت، محفوظ... و باید که دائماً از جانب ملک، منهیان و جاسوسان به تفحص امور پوشیده و پنهان، خصوصاً احوال دشمنان مشغول باشند و از صادرات افعال و از دأب احوال دشمنان و خصوم، استشکاف رأی های ایشان نماید، چه بزرگترین سلاح در مقاومت اضداد و خصوم، وقوف بود بر انواع تدبیرات ایشان و اطلاع بر حوادث ایشان و طریق استنباط عزمت بزرگان آن بود که در احوال و افعال ایشان تأمل کنند و از آن استنباط امور باطن و غایب بنماید بلکه در این باب بذل اموال باید کرد و کسان در ملک خصمان مقرر باید داشت و بعضی از مردم آن ولایت را تطمیعات باید کرد که اخبار آنجا را اعلام نمایند...»^(۳۴)

استنتاج

در پاسخ به سؤالهای پژوهش و اثبات فرضیه ها و مدعاهای این نوشتار بیان گردید که محقق سبزواری از مفاخر بزرگ فرهنگ و تمدن و اندیشه سیاسی اسلامی در قرن یازدهم هجری و معاصر چهار پادشاه صفوی و به ویژه شاه عباس دوم است که کتاب ارزشمند روضه الانوار عباسی را با نحلّه فقه سیاسی و سیاست نامه نویسی به رشته تحریر درآورد. او در زمان شاه عباس دوم مناصب شیخ الاسلامی و اقامه جمعه و جماعات را برعهده گرفت و بیان شد همکاری موردی برخی علمای شیعی و از جمله محمد باقر سبزواری با حکومت، با هدف دستیابی به اهداف عالی های از جمله اجرای

شریعت، گسترش تشیع، مقابله با تهدیدهای علیه دارالاسلام و با این نیت باطنی که امامت و رهبری اصلی با امام زمان(ع) است، صورت می‌پذیرفت و به‌خاطر اینگونه همکاری‌ها و تعاملات میان علما و حاکمان و دولتیان، برخی به‌درستی دوران قرن ده تا سیزده هجری یعنی از شروع سلطنت صفویان را عصر «سلطنت مشروعه» یا عصر «سلطنت و ولایت» نامیده‌اند.

در بحث از کارویژه و وظائف حکومت‌های قدیمی گفته شد که به دلایلی از جمله سلطه تغلب و استبداد، مشروعیت دینی یافتن خودکامگی و امارت، استیلا و تغلب، درگیری‌ها و آشوب‌های دائم سیاسی و فرقه‌ای و تهدیدها و حملات مداوم علیه دارالاسلام، بیشترین توقع از نظام‌های سیاسی آن مقطع در تأمین امنیت و تثبیت ثبات و نظم معنا گردید و همه ارزش‌ها در مفهوم امنیت خلاصه شد و به‌همین دلایل امنیت از مقوله‌های اساسی است که وجود آن در تمام ابعاد و زوایای اندیشه محقق سبزواری و سطور کتاب روضه‌الانوار وی هم، به‌چشم می‌خورد.

ازسویی با توجه به درگیری‌های گسترده نظامی صفویان، آموزه‌ها و دیدگاه‌های نظامی - امنیتی سبزواری بسیار گسترده و محوری است و باید اذعان نمود دقت و جامعیت نظر وی با اتکا بر فکر و اجتهاد تحلیلی و تدقیقی در مباحث امنیت و دفاع آن‌هم در بیش از چهار قرن قبل، سبب اعجاب است و نظریه‌پردازی او در این زمینه به‌هیچ‌وجه از اندیشه‌مندان غربی معاصر وی مانند *توماس هابز*، *جان لاک*، *منتسکیو* و *ژان ژاک روسو* نازل‌تر نبوده و چه بسا قوی‌تر باشد^(۳۵)؛ به‌ویژه توجه خاص وی به ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، اطلاعاتی و بین‌المللی موضوع امنیت از برجستگی و سزاواری بیشتری برخوردار است. سامان‌دهی اقتصاد سیاسی، به‌ویژه در جهت آبادانی مملکت و فزونی تولید بر مصرف و صادرات بر واردات و در همه حال، توجه به عدالت اجتماعی و گسترش تجارت خارجی، سامان‌دهی امور نظامی، انتظامی و امنیتی به‌ویژه از طریق تقویت نیروهای مسلح، رسیدگی به مرزها، رسیدگی به وضعیت معیشتی نیروهای مسلح و توجه اکید به مسائل اطلاعاتی و سامان‌دهی امور مربوط به دیپلماسی و سیاست خارجی کشور از جمله سازوکارهای مهم تأمین امنیت ملی در تفکر سبزواری به‌حساب می‌آید که به‌تفصیل در کتاب مهم خویش «روضه‌الانوار عباسی» به آنها اشاره نموده است.

وی با تفصیل بسیار، ضمن تأکید بر ضرورت نیروهای نظامی(قوی) با داشتن

سیستم اطلاعاتی قوی و حفاظت از اسرار خود، وظائف دولت در قبال سپاهیان، کیفیت و شرایط مطلوب سپاهیان، شرایط فرماندهان نیروهای مسلح (عساکر)، شرایط محافظان قلعه‌ها و مرزداران، ضرورت خبرگیری و انواع آن و شرایط مأموران اطلاعاتی را مورد بحث قرار داده است و از سویی دیگر در طرف دیگر این آمادگی‌های دفاعی امنیتی بر لزوم دیپلماسی و سیاست خارجی قوی و شرایط آن در جهت استحکام آموزه‌های دفاعی امنیتی پای فشرده است؛ همچنان‌که در این مسیر، توسعه تجارت بین‌المللی و کاستن از اوقات فراغت و التذاذ هیئت حاکمه را لازم شمرده است و حتی میان نفی فساد و ناامنی و افزایش درآمد و بالمآل عمران و آبادی خرابی‌های مملکت، رابطه دوسویه‌ای برقرار می‌کند.

این محقق شیعی نه تنها طرفدار تغلب و زورمداری و نظریه امنیت در سایه شمشیر نیست و از عدالت به نفع امنیت عقب ننشسته است، بلکه مناسبات اسلامی و انسانی پادشاه و کارگزاران وی با مردم را توصیه کرده و آن را مایه تثبیت و ارتقای آبادانی و امنیت کشور می‌داند و حاصل نفی تغلب را امنیت به‌شمار می‌آورد که این دو نیز محصول عدالت‌ورزی نظام سیاسی می‌باشند. همچنان‌که عدالت‌ورزی عمال و کارکنان حکومت و اصلاح وضعیت ایشان و کاردانی و شایسته‌گزینی آنها به عمران و رفع خرابی‌های مملکت و ثبات آن می‌انجامد. سبزواری هشدار می‌دهد دولت‌ها باید هشیار باشند و از تملق و خوش‌آمدگویی کشورهای دیگر نسبت به خود فریب نخورند و حساسیت‌های امنیتی خود را کاهش ندهند و برعکس، در شرایط صلح و آرامش و دوستی، بیش‌ازپیش به تقویت مسائل مربوط به امنیت خویش پردازند. بدبینی و احتیاط، از اصول روابط خارجی به حساب می‌آید. وی به هیچ‌وجه در دیدگاه‌های خود فرقه‌گرا نبوده و برخلاف پاره‌ای از پیروان مذاهب دیگر، به هم‌کیشان سایر فرقه‌های اسلامی رویکرد منفی امنیتی نداشته است؛ همچنان‌که طرفدار همزیستی مسالمت‌آمیز همه ادیان و ملیت‌ها و مذاهب بوده است و این رویکرد را مایه آبادی و امنیت کشور به‌شمار می‌آورد.

در خاتمه این نوشتار می‌توان به‌طور خلاصه عوامل پدیدآورنده امنیت از دیدگاه سبزواری را دوباره چنین یادآوری کرد:

۱. ساماندهی و اصلاح مدیریت مالی و معیشتی و توسعه و آبادانی کشور
۲. عدالت‌پیشگی، نفی تغلب و خودکامگی

۳. شایسته‌گزینی و کاردانی عاملان و کارگزاران حکومت
 ۴. داشتن مناسبات اسلامی و انسانی حکومت با مردم و مددکاری آنها در هنگام سختی‌ها
 ۵. اصلاح، بهینه‌سازی و سامان‌دهی تجارت داخلی و بین‌المللی و سلوک نیکو با تجار
 ۶. همزیستی مسالمت‌آمیز با همه ادیان، ملیت‌ها، و مذاهب و نفی فرقه‌گرایی
 ۷. وفای به معاهدات و پیمان‌ها، استفاده از مدیریت قوی در مناطق مرزی
 ۸. برخورداری از ارتش نیرومند و همواره مهیا
 ۹. برخورداری از دیپلماسی و سیاست خارجی و اطلاعاتی قوی، هوشمند و محتاط
 ۱۰. داشتن سامانه اطلاعاتی، امنیتی و جاسوسی نیرومند
- به‌خوبی بر می‌آید که محقق سبزواری در تبیین و اشاره به این عوامل و راه‌کارها، با دقت به عهدنامه مالک اشتر در نهج‌البلاغه نگاه ویژه داشته است؛ همانطور که بخش پایانی کتاب روضه را به ترجمه کامل این نامه اختصاص داده بود.

پی‌نوشت‌ها

۱. روضه‌الانوار ابتدا در سال ۱۲۸۵ قمری در چاپخانه علیقلی قاجار در ۳۴۹ صفحه به چاپ رسیده است. اما دو نسخه تصحیح شده جدید آن به شرح زیر است:
 - محقق سبزواری، **روضه‌الانوار**، مبانی اندیشه سیاسی و آیین مملکت‌داری، به کوشش: نجف لکزایی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
 - ملا محمدباقر سبزواری، **روضه‌الانوار عباسی** (در اخلاق و شیوه کشورداری)، مقدمه، تصحیح و تحقیق، اسماعیل چنگیزی اردهایی، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
2. A. Wolfers. JKL: "National Security as an ambiguous symbol..." Baltimore: Johns Hopkins university press, 1962, p150.
۳. برای اطلاع بیشتر: ر.ک، بهرام اخوان کاظمی، **امنیت در نظام سیاسی اسلام**، تهران، انتشارات پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.
۴. برای ملاحظه برخی شواهد در این زمینه ر.ک، حمید عنایت، **اندیشه سیاسی در اسلام معاصر**، بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۲، ص ۳۳-۳۵. و محمد مهدی شمس‌الدین، **نظام حکومت و مدیریت در اسلام**، مرتضی آیت‌الله زاده شیرازی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵، صص ۱۶۶-۱۶۴ و ۲۳۳.

۵. برای ملاحظه شواهد این ادعا ر.ک، آن.کی.اس لمبتون، دولت و حکومت در اسلام، عباس صالحی و محمد مهدی فقیهی، تهران، عروج، ۱۳۷۴، ص ۱۴ و بهرام اخوان کاظمی، عدالت در اندیشه‌های سیاسی اسلام، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲، ص ۳۴۴-۳۴۶.
۶. ر.ک، محمد مسجد جامعی، زمینه‌های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن، تهران، الهدی، ۱۳۶۹، ص ۲۵۲. (نویسنده مدعای خود را در مورد این اندیشه‌مندان، مستند به آثار زیر آنها نموده است: غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد، ص ۲۰۶-۱۹۷، و نیز فاتحه العلوم، ص ۱۱؛ ابن تیمیه، السياسة الشرعية، ص ۲۳؛ ماوردی، ادب الدنيا و الدين، ص ۱۱۵؛ مقدمه ابن خلدون، ص ۱۸۰).
۷. میشل م. مزای؛ پیدایش دولت صفوی در ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، چاپ دوم، ۱۳۶۸ ش، ص ۲۸.
۸. برای نمونه برای اطلاع از پاره‌ای از سفاکی‌های شاه عباس اول، ر.ک به: عبدالحسین نوایی و عباس قلی غفاری فرد؛ تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در دوران صفویه، تهران، سمت، ۱۳۸۱، صص ۲۱۹-۲۲۱.
۹. ر.ک، ادوارد براون، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، ترجمه بهرام مقدادی، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۷۵ ش، صص ۱۷-۱۵.
۱۰. برای اطلاع بیشتر از ویژگی‌های عصر صفوی رجوع به دو منبع زیر نیز مفید است: غلامرضا ورهرام، منابع تاریخ ایران در دوران اسلامی، تهران انتشارات امیر کبیر ۱۳۷۱، صص ۱۰۹-۹۵. جهان‌بخش ثواقب؛ تاریخ‌نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مآخذها، شیراز، انتشارات نوید، ۱۳۸۰.
۱۱. ر.ک، محسن کدیور؛ نظریه‌های دولت در فقه شیعه، تهران، نشر نی، ۱۳۷۶، ص ۵۸.
۱۲. نجف لکزایی، اندیشه سیاسی محقق سبزواری، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰، صص ۳۱-۳۰، به نقل از: روضات الجنات، ج ۲، صص ۶۹-۶۸ و ریحانه الادب، ج ۵، ص ۲۴۲.
۱۳. مقدمه‌ای بر فقه شیعه (کلیات و کتاب‌شناسی)، ترجمه محمد آصف فکرت، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۸، صص ۵۷-۵۶.
۱۴. ر.ک، موسی نجفی، مراتب ظهور فلسفه سیاست در تمدن اسلامی، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۲، ص ۲۷۶.
۱۵. سبزواری، روضه‌الانوار عباسی، مقدمه، تصحیح و تحقیق، چنگیزی اردهایی، پیشین صص ۳۵-۳۳.
۱۶. ر.ک، لکزایی، اندیشه سیاسی محقق سبزواری، پیشین، صص ۱۱۱-۱۱۰.
۱۷. ر.ک، سبزواری، روضه‌الانوار، به کوشش لکزایی، ص ۱۹.
۱۸. همان، قسم دوم، باب چهارم، فصل دوم، ص ۷۴۱.
۱۹. همان.
۲۰. ر.ک همان، قسم اول، باب ششم، فصل ششم، ص ۴۲۹.
۲۱. همان، قسم دوم، باب چهارم، فصل دوم، ص ۷۴۲.
۲۲. همان.
۲۳. همان، ص ۷۴۶.

۲۴. همان.

۲۵. برای نمونه، شیوه متغلبانه و ظالمانه خواجه نظام‌الملک شافعی مذهب در سیاست‌نامه خود در برخورد با سایر مذاهب اسلامی به‌گونه‌ای بود که در جعل حدیث برای قتل و کشتن رافضیان ابایی نمی‌کرد و با استناد به آیه «اشداء علی الکفار» رافضیان را کافر می‌دانست. ر.ک، خواجه نظام‌الملک، سیاست‌نامه، تصحیح عباس اقبال، چاپ دوم، تهران، اساطیر، ۱۳۶۹ش، ص. ۲۰۳.

۲۶. سبزواری؛ روضه‌الانوار؛ به کوشش لکزایی، پیشین، قسم دوم، باب سوم، فصل چهارم، ص ۷۱۴-۷۱۳.
۲۷. ر.ک، همان، ص ۷۱۴.

۲۸. ر.ک، همان، ص ۷۰۰-۶۸۱ و صص ۷۶۱-۷۲۱.

۲۹. سبزواری، روضه‌الانوار، به کوشش لکزایی، پیشین، قسم دوم، باب چهارم، فصل چهارم، ص. ۷۶۰.
۳۰. همان، باب سوم، فصل اول، ص. ۶۸۳.

۳۱. همان، ص ۶۸۴.

۳۲. همان، ص ۶۸۵.

۳۳. همان، ص ۶۸۶.

۳۴. سبزواری؛ روضه‌الانوار؛ به کوشش لکزایی، پیشین، قسم دوم، باب چهارم، فصل سوم، صص ۷۵۳-۷۵۰.

۳۵. ملا محمدباقر سبزواری (۱۰۹۰-۱۰۱۷ قمری - ۱۷۱۱-۱۶۳۸ میلادی)، با توماس هابز (۱۶۷۹-۱۵۸۸ م)، جان لاک (۱۷۰۴-۱۶۳۲ م)، منتسکیو (۱۷۵۵-۱۶۸۹ م)، ژان ژاک روسو (۱۷۷۸-۱۷۱۲ م) معاصر بوده است.